

صد شعر نو فارسی

از عصر نیما تا امروز

ویراسته
هوشنگ رهنما

فرهنگ‌نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران - ۱۳۹۳

فهرست

نیما یوشیج

پیشگفتار	۱۵
برف	۲۳
مهتاب	۲۵
هست شب	۲۸
داروگ	۳۰
تو را من چشم در راهم	۳۲
ماخ اولاً	۳۴
اجاق سرد	۳۶

مجدالدین میرفخرایی (گلچین گیلانی)

نام | ۴۱ |

پرویز ناتل خانلری

یغمای شب | ۴۷ |

ماه در مرداب | ۴۹ |

سیمرغ | ۵۲ |

فریدون تولّی

مریم | ۵۷ |

کارون | ۵۹ |

مهتاب | ۶۲ |

سیاوش کسرائی

شب‌نمی و آه | ۶۷ |

غزل برای درخت | ۷۰ |

بیژن جلالی

شعر اول | ۷۵ |

شعر دوم | ۷۷ |

احمد شاملو (ا. بامداد)

شبانه | ۸۱ |

مرثیه | ۸۴ |

آیدا در آینه | ۸۷ |

شبانه | ۹۲ |

ماهی | ۹۵ |

فصل دیگر | ۹۸ |

من و تو، درخت و بارون | ۱۰۱ |

نادر نادرپور

پیوند | ۱۰۷ |

ستاره دور | ۱۱۰ |

چراغی از پس نیزار | ۱۱۲ |

آشتی | ۱۱۴ |

پوپک | ۱۱۷ |

تب و عطش | ۱۱۹ |

نقاب و نماز | ۱۲۲ |

فریدون مشیری

جادوی بی‌اثر | ۱۲۹ |

سرود گل | ۱۳۱ |

کوچه | ۱۳۴ |

بهار را باور کن | ۱۳۸ |

ریشه در خاک | ۱۴۱ |

آخرین جرعه این جام | ۱۴۴ |

در میان برگهای زرد | ۱۴۸ |

هنوز، همیشه، هرگز | ۱۵۱ |

حسن هنرمندی

هراس | ۱۵۵ |

سهراب سپهری

واحه‌ای در لحظه | ۱۵۹ |

نشانی | ۱۶۱ |

از روی پلک شب | ۱۶۳ |
همیشه | ۱۶۵ |
به باغ همسفران | ۱۶۷ |
دوست | ۱۷۱ |
نه به سنگ | ۱۷۴ |

محمد زُهری

چاره | ۱۷۷ |
گلایه | ۱۷۸ |

محمود مشرف آزاد تهرانی (م. آزاد)

گل باغ آشنایی | ۱۸۳ |

و گیسوان تو ناگاه بر تمامی

ویرانه‌های باد نشست | ۱۸۵ |

منوچهر آتشی

خنجرها، بوسه‌ها، پیمانها | ۱۸۹ |

هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)

نیلوفر | ۱۹۷ |

مهدی اخوان ثالث (م. امید)

سبز | ۲۰۱ |

ناگه غروب کدامین ستاره؟ | ۲۰۴ |

دریغ و درد | ۲۱۲ |

غزل ۳ | ۲۱۶ |

طلوع | ۲۱۹ |

از غزل‌های ۶ و ۷ | ۲۲۴ |

آواز چگور | ۲۲۷ |

فروغ فرخزاد

وهم سبز | ۲۳۳ |

فتح باغ | ۲۳۸ |

آفتاب می شود | ۲۴۲ |

میان تاریکی | ۲۴۵ |

در غروبی ابدی | ۲۴۸ |

روی خاک | ۲۵۴ |

تولدی دیگر | ۲۵۷ |

محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)

درخت روشنایی | ۲۶۵ |

دیباچه | ۲۶۸ |

جَرَس | ۲۷۱ |

سفر به خیر | ۲۷۴ |

عبور | ۲۷۶ |

درین شبها | ۲۷۹ |

شب به خیر | ۲۸۲ |

اسماعیل خویی

از شعر گفتن | ۲۸۹ |

غزلواره‌ی ۲ | ۲۹۷ |

در مرگ فروغ | ۲۹۹ |

غزلواره‌ی ۷ | ۳۰۱ |

غزلواره‌ی ۱۰ | ۳۰۳ |

هرگز | ۳۰۸ |

پیشگفتار | ۳۰۹ |

مهستی بحرینی

مرداب | ۳۱۳ |

گیسو سیاه، خواهر من، شب | ۳۱۶ |

دیدار با روشنایی | ۳۱۹ |

منصور اوجی

رفتی | ۳۲۵ |

منوچهر نیستانی

تو بی مضایقه خوبی | ۳۲۹ |

میمنت میرصادقی (آزاده)

پس از غبار | ۳۳۵ |

کی؟ کجا؟ | ۳۳۷ |

امشب | ۳۳۹ |

بهمن صالحی

چگونه بژمردی؟ | ۳۴۳ |

حمید مصدق

آبی، خاکستری، سیاه | ۳۴۹ |

یدالله رویایی

دریایی ۳ | ۳۵۷ |

احمد رضا احمدی

شعر ۹ | ۳۶۱ |

ضیا موحد

بر آبهای مردهٔ مروارید | ۳۶۵ |

تورج رهنما

میانِ گلِ سرخ و باران | ۳۶۹ |

آهو | ۳۷۱ |

قیصر امین پور

هنوز | ۳۷۷ |

بندباز | ۳۷۹ |

حسرت همیشگی | ۳۸۱ |

پیشگفتار

بر لب جوی نشستن، گذر جوی ندیدن لحظه خویشتن از خویش زدودن لحظه ناب سرودن

شفیعی کدکنی

شعر نو فارسی حدود صد سال پیش با پیشگامی نیما و در واکنش به هزار سال سیطره بلامنازع شعر سنتی، به ویژه شعر غنایی، ظهور کرد. به عبارت دیگر، جنبش آرام شعر نو بدل به انقلابی شد که هدف آن، به اصطلاح سیاسی، سرنگونی فرمانروایی شعر سنتی بود. در پس زمینه این جنبش هنری نگرش مدرن به جهان، زندگی و روابط انسانی، جامعه ایرانی و زبان فارسی قرار داشت که در تقابل با نگرش سنتی به جهان، زندگی و روابط انسانی، جامعه ایرانی و زبان فارسی شکل گرفته بود.

اگر انقلاب‌های ادبی هم از ساختاری مانند آنچه تاماس کیون ساختار انقلاب‌های علمی می‌نامد برخوردار باشند، می‌توان در این‌جا از زبان توصیفی وی بهره گرفت و شعر سنتی را شعر بهنجار نامید و شعر نو را فراهنجار یا شعر انقلابی. بدین قرار، شعر سنتی در محیط اجتماعی در حال گذار از فرهنگ سنتی به فرهنگ مدرن دچار بحران عملی کاربرد الگوها و ضابطه‌ها و قواعد متعارف عروضی، بدیعی و بیانی شده بود و پارادایم موجود آن دیگر پاسخگوی پردازش موفق داده‌های حسی در دستگاه هنر کلامی نبود. نیما با تغییر پارادایم کهنه و جایگزینی آن با پارادایمی نو توانست به بحران در شعر فارسی پایان دهد و راه آن را در بستره تحولش هموار سازد.

چند دهه نگذشته بود که پارادایم نوین شعر فارسی، گرچه نه چندان آسان و بی‌تحمل دشواری‌هایی از قبیل ترور شعر و شخصیت، موفق شد خود را در عرصه فرهنگ ادبی ایران تثبیت کند. مشاهده اجمالی چشم‌انداز فراگیر یکصد ساله آن به نظر می‌رسد که چرخه تقریباً کامل رشد و تحول خود را طی کرده و در کلیت هنری‌اش به نوعی وحدت ارگانیک دست یافته است. حال این‌که آیا مفهوم چرخه کامل به یک اعتبار در این‌جا اشارتگر پایان نقش فعال این شاخه از هنر کلامی در محیط فرهنگی جامعه ایران و آغاز نقش فعال شاخه‌ای دیگر از همان نوع هنری یا هنرهای دیگر است، پرسشی است که پاسخ بدان مجال دیگری می‌طلبد...

از نیم سده گذشته تاکنون چندین مجموعه از برگزیده‌های شعر نو فارسی منتشر شده است: از شاهکارهای شعر معاصر ایران ویراسته فریدون کار (۱۳۷۹) و شعر نو از آغاز تا امروز ویراسته محمد حقوقی (۱۳۵۰) گرفته تا روشن‌تر از خاموشی ویراسته مرتضی کاخی (۱۳۶۸)، روزنه‌ای به روشنی ویراسته حمید باقرزاده (۱۳۷۹) و شعر‌هایی است ویراسته تورج رهنما (۱۳۸۶). هر یک از این مجموعه‌ها به اعتبار گردآورنده آن از ویژگی مختص به خود برخوردار است و در برخی از آن‌ها معیار گزینش - در کنار معیارهای دیگر - از ذوق شخصی پیروی کرده است، که البته به خودی خود نقص بزرگی نیست، اما در نهایت ناخواسته رابطه سازنده میان گردآورنده و مخاطب را مخدوش می‌سازد؛ بدین معنی که از یک سو انتظارات فراشخصی خواننده از اثری از این دست را برآورده نمی‌سازد و از سوی دیگر او را از داشتن مجموعه‌ای نظام‌مند که با شعری آغاز می‌شود که نشانگر مرحله تکوین شعر فارسی است و با شعری پایان می‌گیرد که نشانگر مرحله به‌خصوصی از سیر تحول آن است و آنچه در میان آن‌ها جای داده شده مسیر آن تحول را گام‌به‌گام نشانه‌گذاری می‌کند، محروم می‌سازد. در واقع، این مجموعه‌ها چندان تفاوتی با جُنگ‌های شعری که نمونه‌هایی از آن‌ها از سده‌های پیشین در دست است، ندارد. دو ویژگی گزیده حاضر را از گزیده‌های دیگر متمایز می‌سازد که نخستین آن به چرخه زندگی و سیر رشد و تحول شعر نو فارسی مربوط می‌شود و دومین آن به چیدمان شعر شاعران

در این گزیده به نحوی که بتواند تصویر قابل مشاهده‌ای از آن چرخه را بازتاب دهد.

در این مجموعه سی تن از شاعران و از هر یک چند اثر به تناسب نقش سازنده‌شان در رشد و تحول شعر نو فارسی برگزیده شده است. در نحوهٔ چیدمان این شاعران و آثار آنان در عین حال که ترتیب تاریخی نسبی رعایت شده است، در وهلهٔ اول ساماندهی منظومه‌ای مورد نظر بوده که در آن مجموع یکصد شعر برگزیده شده در پیوند با یکدیگر، همچنان که گفته شد، به گونه‌ای وحدت ارگانیکی دست یابند. به عبارت دیگر، کل مجموعه به شکل دایره‌ای است که مرکزی دارد و شعاع‌هایی که ساحت درونی دایره را با آن مرتبط می‌سازد. مرکز دایره مظهر برآیندی از جهان‌ها و جهان‌بینی‌های شاعرانه است که تخیل خلاق هر یک از این شاعران به شیوهٔ خود و در محدودهٔ توانایی‌های هنری خود به میانجی زبان در عرصهٔ فرهنگ ادبی ایران آفریده است.

گویا یک عامل انتظام‌بخش دیگر لازم می‌نمود تا بسیاری از شاعران را با یکدیگر پیوند دهد. در بررسی نهایی، این عامل انتظام‌بخش خود را در قالب مرثیه‌های فروغ آشکار ساخت. این شاعران با واکنش شاعرانهٔ خود به درگذشت فروغ، بر رابطهٔ تنگاتنگ و ناگسستی جهان شعرشان با یکدیگر تأکید ورزیده‌اند.

الگوی پنهان در پس‌زمینهٔ گزینش سی چهرهٔ شاخص ماندگار، برگرفته از روایت تمثیلی عطار در منطق‌الطیر اوست،

سی مرغ که در جستجوی سیمرغ‌اند و در نهایت به جمع سی‌گانه خود می‌رسند. در این مجموعه هم سی شاعر شعر نو که به دستمایه آثار خود در پی رسیدن به سیمرغ شعر مدرن ایران‌اند، سرانجام در کنار هم جمع سی‌گانه خود را مشاهده می‌کنند.

در انتخاب شعرها، در عین حال که اصل ارتباط متقابل آن‌ها با یکدیگر در وهله نخست مورد نظر بوده، معیار ماندگاری شعر، که به تعبیر دکتر شفیع کدکنی «شعری است که در حافظه خوانندگان جدی شعر رسوب کند»، نیز تا اندازه‌ای رعایت شده است. و سرانجام این که از منظر ژانرشناسی، تقریباً همه آثار برگزیده شده از نوع غنایی‌اند. امید است مجموعه حاضر مورد پسند دوستداران شعر نو فارسی قرار گیرد و در لحظه‌های نیازمندی‌شان به کار آید.

هوشنگ رهنما